

## محلۀ دره‌ها و پله‌ها



محسن شاعری



جمشید رحمانی پناه



مرحوم عباس عباسی



علیرضا زمانی



داربوش شهبازی

نزدیک به یک قرن قبل، یوسف آباد که اکنون در محاصره ساختمان‌های بلندمرتبه قرار گرفته مملو از مزارع بود. نقل است که پادشاهان قاجاری لایه‌لای تفریح و خوشگذرانی‌هایشان هر از گاهی در قریه یوسف آباد بیتوته می‌کردند تا نفسی چاق کرده باشند. میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدر اعظم ناصرالدین شاه از همان موقع کمر به آبادانی این منطقه بست و چنان باغ‌های سرسبز و پرباری ایجاد کرد که اراضی تحت مالکیتش بعدها به یوسف آباد معروف شد. یوسف آباد در کنار باغ‌های انار، توت، گیلاس و انجیر مکان‌های تاریخی بسیاری مثل آسیاب آبی، دره گاومیشی و باغ اناری داشت و دروازه یوسف آباد یکی از دروازه‌های ۱۲ گانه تهران بود که جایی برای ورود به اراضی جلایه هم به حساب می‌آمد. تاریخ باشکوه این محله با گذشت زمان به خاطرهای در ذهن تهران‌نشینان تبدیل شد، اما مرور آنها هنوز هم خالی از لطف نیست. مطالب این پرونده حاصل هشتمین نشست پژوهشی محله من است که با حضور اهالی قدیمی یوسف آباد، جمشید رحمانی پناه، محسن شاعری و عباسی که چند روز بعد از این نشست دار فانی را وداع گفت، برگزار شد. همچنین در این شماره با داربوش شهبازی، نویسنده و تهران پژوه و علیرضا زمانی، تهران پژوه درباره تاریخچه محله یوسف آباد گفت‌وگو کرده‌ایم.

## پشت دیوار قلعه معروف یوسف آباد چه خبر بود؟



که اگر کسی پشت در می ماند شب را در قهوه‌خانه سپری می‌کرد. از حدود سال‌های ۱۳۴۵ اداره ثبت طی اعلامیه‌ای به ساکنان قلعه دستور تخلیه داد. محسن شاعری می‌گوید: «طبق آن اعلامیه زمین‌ها به قطعه‌های ۴۰۰ متری تقسیم شدند و کسانی که توانایی مالی داشتند می‌توانستند بمانند و صاحب ملک شوند و به کسانی که پول زمین را نداشتند، زمین‌های رایگان در نازی آباد تعلق گرفت. پدرم وضع مالی خوبی داشت و با ۱۴ هزار تومان زمینی در قلعه خرید و ما ماندگار شدیم، اما کم‌کم دیوارهای قلعه را خراب کردند و زمین‌های قلعه جزو املاک یوسف آباد شد و خیابان‌بندی‌ها شکل گرفت و وضعیت تغییر کرد.»

او می‌گوید: «بیشتر اهالی قلعه کارکنان، پرستاران و خدمه بیمارستانی بودند که در باغ‌های یوسف آباد حضور داشتند. پدرم به‌عنوان پزشک‌یار در همین بیمارستان که الان به نام ۵۰۱ ارتش می‌شناسیم، کار می‌کرد. برای همین ما ساکن قلعه شدیم. قلعه هیچ‌گونه امکانات رفاهی نداشت. در این حد که یادم می‌آید در گوشه‌ای از آن تنها یک مستراح وجود داشت و همه ساکنان از آن استفاده می‌کردند. از حمام هم خبری نبود. یک دکتر بهزادی نامی هم در قلعه بود که در هر شرايطی فقط اسپیرین تجویز می‌کرد و بین اهالی به دکتر گردی معروف بود. درهای قلعه ساعت ۹ شب بسته می‌شد. بیرون آن قهوه‌خانه‌ای وجود داشت



سابق یا همان خیابان شهید اکبری می‌گذشت و به سمت پارک ساعی فعلی به ایستگاه آبشار می‌رفت و از آنجا هم به سمت پایین جاری بود. در آنجا یک قهوه‌خانه به نام کافه «علی خان» قرار داشت و کسانی که می‌خواستند از تهران به سمت شمیرانات بروند، آنجا اتراق می‌کردند. آن محدوده به خاطر این آبشار جای باصفایی بود. از آسیاب که نماد زندگی است گفتیم و بیراه نیست که به نقطه پایان هم اشاره‌ای کنیم؛ قبرستان قدیمی محله یوسف آباد هم در محل فعلی مدرسه شهید مصطفی خمینی، روی تپه‌ای در قسمت شرقی دیوار بیمارستان ۵۰۱ ارتش واقع شده بود. تا قبل از سال ۱۳۲۶ اموات این محله در این قبرستان به خاک سپرده می‌شدند.

می‌گفتند و آن طرف خیابان بود. البته زمان ساخت بزرگراه رسالت، آسیاب بزرگه از بین رفت. یادم هست این دو آسیاب تمام آرد خیزهای آبادی‌های اطراف، از ونک تا اوین و درکه را تأمین می‌کردند و روزانه بیش از ۳۰ خروار آرد در آنها تولید و توزیع می‌شد. آسیاب را در قسمت گودتری ساخته بودند که آب به آنجا سرازیر می‌شد: «یک تنوره‌ای هم برای آسیاب در نظر گرفته بودند که از طریق مخزن، آب قنات با فشار زیاد داخل تنوره می‌شد و قسمت چوبی زیر آسیاب را می‌چرخاند. درواقع سنگ زیرین ثابت بود و سنگ رویی می‌چرخید و مسیر آب در قسمت زیر سنگ تعبیه شده بود که آب از طریق آن از آسیاب خارج می‌شد. این آب از انتهای خیابان مستوفی

### موضوع: قلعه قدیمی

ویژگی: قدیمی‌ترین عمارت یوسف آباد که تخریب شد

\*\*\*

دیگر اثری از آن عمارت بزرگ که اهالی قدیمی یوسف آباد به نام قلعه آن را می‌شناختند، وجود ندارد و تنها خاطرهای باقی مانده است؛ خاطره دیوارهای کاهگلی و در بزرگی که رأس ساعت ۹ شب بسته می‌شد. ساخت عمارت‌های بزرگ در باغ‌هایی که بعد از شکستن حصار صفوی در دوران ناصرالدین شاه در محدوده حصار ناصری قرار گرفتند، مرسوم بود. در آن روزگار زمین‌های بایر و مواتی (اراضی مرده و بی‌جان) اغلب مورد توجه رجال سیاسی قاجار قرار می‌گرفت؛ از جمله زمین‌های یوسف آباد. علیرضا زمانی، تهران پژوه در این باره می‌گوید: «در این باغ‌ها عمارت‌های بزرگی ساخته می‌شد که دور تا دورشان حجره‌های کوچکی بود. خانواده‌های کشاورزانی که در باغ‌ها کار می‌کردند در این حجره‌ها ساکن می‌شدند. این عمارت‌ها محصور بود و خانه‌های درباری در نزدیکی آنها قرار داشت. قلعه یا همان عمارت بزرگ یوسف آباد هم از این قاعده مستثنا نبود. ۲۰ تا ۳۰ خانوار در آنجا ساکن بودند. عمارت با دیوارهای بلند و در بزرگی محصور شده بود و این برای امنیت ساکنانش بود تا در آن بیابان در امان باشند. محسن شاعری، پدرم ۸۰ ساله‌ای است که تا ۷ سالگی در قلعه یوسف آباد زندگی کرده. او هنوز خاطرات قلعه را به یاد دارد. خاطره دیوارهای بلند و حوض‌های آب، خاطره قهوه‌خانه بیرون قلعه و تنها دکترا آنجا.

### به نام صدر اعظم قاجار



### موضوع: حدود، تاریخچه و وجه تسمیه

ویژگی: یوسف آباد کنونی از دهه ۳۰ و با تغییر کاربری باغ‌ها متولد شد

\*\*\*

چنارهای بلندبالا و کهنسالی که در محله یوسف آباد روی خیابان‌ها و کوچه‌ها سایه می‌اندازند، یادگاری از روزهای گذشته این محله‌اند. برای جست‌وجو در تاریخچه و هویت این محله باید به عهد قاجار سفر کنیم. جمشید رحمانی پناه، یکی از اهالی قدیمی یوسف آباد درباره علت نامگذاری این محله می‌گوید: «میرزا یوسف آشتیانی، صدر اعظم برجسته دوران قاجار در آبادانی بسیاری از محله‌های تهران نقش داشت. او با حفر قنات و تبدیل زمین‌های بایر و ناهموار به باغ و زمین‌های زراعی، بسیاری از مناطق پایتخت را آباد کرد؛ از جمله محله بهجت‌آباد که به نام دخترش نامگذاری شد یا محله حسن‌آباد که از املاک او بود و پس از توسعه و آبادانی به نام پسرش سند خورد. محله یوسف آباد هم نام خود را وامدار میرزا یوسف مستوفی الممالک است که گام‌های نخست آبادانی این محله را با توسعه زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها، حفر قنات‌ها و... برداشت.» یوسف آباد که اکنون محله‌ای است در منطقه ۶ در قلب خیابان‌های پرترافیک تهران، روزگاری آبادی‌ای بود با زمین‌های کشاورزی بسیار و جاده‌های خاکی که از جنوب به آب کرج یا بلوار کشاورز کنونی، از شرق به تپه‌های عباس‌آباد از شمال به ده‌ونک و از سوی دیگر به جلایه محدود می‌شد. این محله که تا سال ۱۲۸۸ خورشیدی بیرون از حصار تهران و در شمال غربی دارالخلافه قرار داشت، در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ همزمان با توسعه بسیاری از مناطق پایتخت و تبدیل برخی مناطق روستایی به شهر، دستخوش تغییرات بسیار شد. رحمانی پناه می‌گوید: «با توسعه پایتخت به تدریج باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی یوسف آباد هم جای خود را به خانه‌ها و آپارتمان‌ها دادند. در دهه ۳۰ سازمان برنامه و بودجه وقت سراغ زمین‌های یوسف آباد آمد و پس از تفکیک و قطعه‌بندی زمین‌ها، بخشی از اراضی آن را در اختیار کارمندان دولت، از جمله کارکنان آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه وقت قرار داد. در همین دوران با ورود افراد غیربومی و مهاجرت اقوام مختلف به یوسف آباد ساخت‌وسازها در این محدوده رونق گرفت و به تدریج یوسف آباد کنونی متولد شد.»

## تولید روزانه ۳۰ خروار آرد

### موضوع: تنها آسیاب باقیمانده از تهران قدیم

ویژگی: احیای سازه آسیاب آبی یوسف آباد

\*\*\*

هویت تاریخی محله یوسف آباد با آسیاب آبی و قبرستان قدیمی این محله گره خورده است. با توجه به اینکه بخش وسیعی از زمین‌های کشاورزی این محله زیر کشت گندم بود، ۲ آسیاب آبی «عجایی» و بادی «گاومیشی» هم در این محله وجود داشت؛ عمر آسیاب گاومیشی به امروز نرسید و از بین رفت و اکنون تونل رسالت در محدوده این آسیاب قدیمی ایجاد شده، ولی آسیاب آبی «عجایی» به همت خاندان عجایی مرمت و احیا شد تا هویت تاریخی این محله را برای آیندگان تداعی کند. حاج سید اسماعیل عجایی و سیدجلال عجایی از وارثان و حافظان آسیاب آبی یوسف آباد هستند. حاج اسماعیل حدود ۲ ماه قبل دیده از جهان فروبیست، اما سیدجلال همچنان این راه را ادامه می‌دهد و برای نگهداشت آسیاب کهنسال تلاش می‌کند. او درباره قدمت این آسیاب می‌گوید: «این آسیاب که زمان قاجار ساخته شده مدتی در اختیار مستوفی الممالک بود و او از آسیاب نگهداری می‌کرد، اما از سال ۱۳۲۲ پدرم عرصه آسیاب را خرید و از آن سال در اختیار ماست. قبلاً ۲ آسیاب در این محدوده فعال بود؛ یکی با عنوان آسیاب کوچیک و دیگری آسیاب بزرگ که به آن آسیاب «گاومیشی» هم